

آیات الهی عالم را احاطه نموده و نور فضلش قلوب موحدین را منور

داشته ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳

م ص

جناب آقا میرزا علی محمد

هو الله تعالى شأنه العظمة

آیات الهی عالم را احاطه نموده و نور فضلش قلوب موحدین را منور داشته نیر عدل از افق سماء سیاست کبری مشرق و لائخ ولكن سبحات انفس غافله یعنی اعراض آن نفوس شریره انوارش را مستور داشته آیا سبب حرمان چه بوده و علت منع چه شکی نبوده و نیست که حضرت فیاض جلّت عنایتیه و عظم فضله عالم را محض عرفان و ظهورات عدل و انصاف خلق فرموده لازل امطار جودش هاطل و آیات فضلش نازل در هر شیء علم القدرة لله منصوب و در هر مقام رایة العزة لله مرتفع مع ذلک موحدین ضعیف و مشرکین قوی مشاهده میشوند چنانچه دیده شد مدائن اهل توحید محاط و مدافع مشرکین محیط این نیست مگر از جزاء اعمال و افعال و الصلوة المشرقة من افق سماء رحمة الله علی جوهر خلقه و مطلع آثاره و مشرق وحیه و مصدر امره الذی بنوره تنور العالم و باسمه استبرک الأمم هو الذی به بدئ کل امر و ختم و به ظهر صراط الله المستقیم و امره العظیم لولاه ما ظهر اسم من الأسماء و لا صفة من الصفات و علی آله و اصحابه الذین ما منعهم حجاب المحتجبین و سطوة المشرکین نصروا دین الله حق النصر بحيث اخذت سطوتهم من فی العالم و احاط اقتدارهم کل الأمم اولئک عباد ما خوفهم شیء من الأشياء و ما حجبهم ذکر من الأذکار طلعوا من افق الاقتدار و سخرُوا مدن الأشرار بهم اشرق نور التوحید و ظهر حکم التجرید

سبحانک یا سید العالم و مقصود الأمم اسألك بهم و بما ظهر منهم فی سبیلک بأن تؤید اهل التوحید علی ما تحب و ترضی ثم انصرهم علی الذین اعتدوا علیهم و اخذوا حقهم انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت القوی القدير



ORIGINAL

و بعد قد بلغ الخادم کتابکم قرأت ما فيه و عرضت تلقاء الوجه قال المولى ارواحنا فداه نسأل الله تعالى ان يفتح على وجوه عباده باب فضله و يقرّبهم الى بحر عرفانه و يزيّنهم بما يرتفع به امره و يكتب لهم من القلم الأعلى اجر الآخرة و الأولى انه ربّ العرش و الثرى نشهد انه لا اله الا هو اقراراً لوحدانيته و اعترافاً لفردانيته لم يزل كان مقتدرّاً على من فى الأرض و السماء لا اله الا هو الفرد الواحد المهيمن القيوم انا نسلم من هذا المقام على احبائنا و نوصيهم بالحكمة و بما يرتفع به المقام بين الأنام انتهى

لله الحمد نعمت محبّت که از اعظم نعماء الهی محسوبست موجود عالم بنارش مشتعل و بنورش منور اعتدالش روحست از برای هیاکل وجود و اگر فی الجمله تجاوز نماید معدوم نماید و مفقود سازد سبحان الله هم عمار عالم از او و هم خرابی این چه خلقی است که کل از وصفش حیران هم نجیب بکا از او مرتفع و هم سرور لایحصى از او ظاهر خادم از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که اعتدال را نصیب دوستان فرماید و عنایت کند طعم رحیق مختوم از او یافت میشود در مقامی اوست هادی و اوست واسطه فیض بعد از انبیا سلام الله علیهم و اوست مترجم در مقامی و مبین در مقامی سبحان الله وصفش بقلم تمام نمیشود در جمیع اشیاء هم این فضل علی حدّها ظاهر و مشهود چه که کل مدلّ بر حقّ جلّ جلاله اند و همچنین از صنع او قلم و مداد فارس این مضمار نه الأمر بید الله يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

اینکه ذکر جناب حاجی سید مهدی علیه سلام الله را نمودند ذکرشان لدی المولى بشرف اصغا فائز فرمودند این مناجات را تلاوت نمایند آنها تهدیه الی صراط الله المستقیم

الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و متوجّهاً الی مشارق وحیک و مطالع الهامک و مهابط علمک و مصادر اوامرک و احکامک اسألك باسمک الذی به سخرت العالم و هدیت الأمم و بسطانک الذی غلب الأشياء و بآیاتک الّتی احاطت الأرض و السماء و بالذین ذابت اکبادهم فی حبک و انفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سبیلک بأن لا تخیبنی عما کتبتہ لأصفیائک و قدرته لأولیائک ای ربّ ترى المحتاج قائماً لدی باب کرمک و المسکین متمسکاً بحبل عطائک قدر لی ما ینبغی لسماء جودک و بحر فضلک انت الذی شهدت الکائنات بعلوک و سموک و الممکنات بعظمتک و اقتدارک ای ربّ فأنزل من سحاب سماء رحمتک ما یقرّبنا الیک ثمّ ارزقنا خیر ما انزلته فی کتابک اشهد یا الهی بوحدانیّتک و فردانیّتک و بأنّک انت الله لا اله الا انت لم تزل کنت فی علو العظمة و الاقتدار و لا تزال تكون بمثل ما قد کنت فی ازل الآزال لا تمنعک شؤونات الخلق و لا شبهات القوم انک انت القيوم الذی لا تضعف جندک جنود العالم و لا صفوف الأمم تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و انک انت المقتدر العزیز الحمید الهی الهی ترى العاصی اراد بحر غفرانک و البعید افق قربک و رضائک اسألك بنفحات آیاتک و النسمات الّتی تمرّ من شطر عنایتک بأن تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و الاقبال الی افقک و النظر الی آثارک و التوجّه الی آیاتک یا اله العالم اسألك بالسراج الأظهر الأقوم بأن تجعلنی من الذین وصفتهم فی کتابک الذی انزلته علی سلطان رسلک اولئک عباد مکرمون لا خوف علیهم و لا هم یحزنون هل تمنعنی یا الهی بعد اذ سرعت الی فرات رحمتک و هل تخیبنی یا مقصودی بعد اذ رفعت ایادی الرّجاء الی سماء فضلک و مواهبک لا وعزّتک ما هذا ظنّی بک اشهد انّ بابک مفتوح و فضلک محیط و رحمتک سابقه لا تمنع جودک اعراض العباد و لا عطائک خطاء من فی البلاد فاغفر لی بمجودک و احسانک ثمّ ایدنی علی خدمة اصفیائک و اولیائک انک انت المقتدر العلیم الحکیم لا اله الا انت الفرد الواحد العزیز الجمیل انتهى

الحمد لله عنایت ظاهر و فضل باهر از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی مسئلت مینماید که ایشان را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و موقّق دارد بر ذکر و ثنایش و الاعتراف بما نطق به قلبه الأعلى قبل خلق الأرض و السّماء أنّه لا اله الا هو لم یلد و لم یولد و ما اتّخذ لنفسه صاحبةً و لا ولداً انشاء الله از رَحیق بیان بیاشامند چه که هر نفسی بآن فائز شد بعرفان حقّ جلّ جلاله فائز اگر جمیع اهل عالم کلمه توحید را اصغاً مینمودند حقّ اصغاً هرآینه کل منقطعاً عن الكلّ الی الله توجّه میکردند شئونات و اشارات خادعه عالم امم را از فیض اعظم منع نموده مکافات و مجازات دو مرآتند از برای اعمال حسن و قبح آن در این دو ظاهر و هویدا قسم بسرّ وجود که اگر بکتاب الهی جلّ جلاله عمل مینمودند ذلّهای مشهوده ظاهره دست نمیداد و ظاهر نمیشد امروز کل باید بکمال خضوع و ابتهال دستهای ظاهر و باطن را بسماء جود و فضل حقّ تعالی شأنه بلند نمایند و نصرت طلبند که شاید کل محروم نمانند و از بحر آگاهی و دانائی ممنوع نگردند باری جزاء اعمال ناس را منع نموده ولكن چون باب فضل مفتوح است امید هست که ناله‌های مؤمنین و موحدین اثر نماید و عالم را بطراز عدل و انصاف مزین فرماید انما السّؤال من العباد و الاستجابة من الله مالک يوم المعاد

خدمت محبوب مکرم حضرت ح و س علیه بهاء الله و عنایتیه سلام میرسانم الحمد لله فائز بوده و ذکرشان لدی المولی مذکور اسأله تعالی ان یزل علیه من سماء الفضل امطار الرّحمة و العطاء أنّه هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون و همچنین خدمت محبوب مکرم جناب کاف و راء علیه سلام الله و الطافه و سایر دوستان سلام الله علیهم سلام میرسانم و از برای هریک توفیق و تأیید میطلبم ان ربنا الرحمن هو السّامع المجیب السّلام و الثّناء علیکم و علی عباد الله المخلصین